

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۶.....	خداشناسی
۷.....	خشنودی خداوند
۷.....	شناخت قرآن مجید
۸.....	پیروان حقیقی قرآن
۹.....	قرآن در صحنه قیامت
۱۰.....	فضائل اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۱.....	دستیابی به علوم پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۲.....	آرامش در پرتو ولایت
۱۳.....	آمزش گناه در پرتو محبت
۱۳.....	حرمت صدقه بر آل محمد <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۴.....	حکومت و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۵.....	فرجام امامان راستین
۱۶.....	شیعیان کیستند و دوستان کدامند؟
۱۷.....	معیارهای دوستان سالم
۱۸.....	سیاست از دیدگاه معصوم
۱۹.....	عزت مؤمن
۲۰.....	انتخاب دوست
۲۰.....	فروتنی
۲۱.....	سخاوت و نیکی
۲۲.....	همسایگان را بر خویش مقدم بدارید

۲۳	تقوا
۲۴	چگونگی ورود به نماز
۲۵	دعای قنوت
۲۶	چگونگی ورود به مسجد
۲۷	فواید رفت و آمد به مسجد
۲۸	توجه به قیامت
۲۹	رمضان ماه آزمایش
۳۰	چاره اندیشی ترک گناه
۳۱	رذائل اخلاقی
۳۱	بخل
۳۲	آداب غذا خوردن
۳۳	شستن دستها قبل از خوردن غذا
۳۳	چرا وحشت از مرگ؟
۳۴	هرگز نیازمند را دست خالی برنگردانید
۳۵	نیکی را اینگونه پاسخ دهید
۳۶	اهمیت غذای روحی
۳۶	پند و اندرز
۳۷	سه نکته اساسی
۳۷	ثمرات بردباری

چهل حدیث از امام حسن مجتبی (علیه السلام)

مقدمه

قال رسول الله ﷺ:

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا»

«هر کس از امت من چهل حدیث و گفتار - از احادیثی که به امور دینی آنها مربوط است - حفظ کند خداوند - سبحان - آن کس را در روز قیامت دانشمند و فقیه محشور خواهد نمود.»

کلمات درر بار اهل بیت علیهم السلام بالاترین پشتوانه فرهنگ بالنده انقلاب اسلامی ماست و ما در این نوشتار، چهل حدیث از کلمات اولین ثمره نبوت و امامت؛ حسن بن علی علیه السلام را برگزیده ایم. این سخنان شیرین، که دربر گیرنده چهل موضوع از موضوعات اخلاقی، فرهنگی و سیاسی جامعه ماست، خود روشنگر، راهنما و چراغی است برای علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت و معالم پرمحتوای آنها اضطراب و نگرانیهای روحی و روانی را می زداید باشد تا ذخیره ای برای مؤلف و دست اندرکاران چاپ و نشر آن در روز - يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ - شود، اینک شما و کلمات درر بار آن بزرگوار.

احمد زمانی

خداشناسی

۱. قال الحسن بن علی علیه السلام فی قول الله - عزوجل - : «بسم الله الرحمن الرحيم»: فقال: الله هو الذي يتأله إليه عند الحوائج والشدائد كل مخلوق عند انقطاع الرجاء من كل من دونه وتقطع الأسباب من جميع من سواه تقول بسم الله أي أستعين على أمورى كلها بالله الذي لا تحق العبادة إلا له، المغيث إذا استغيث والمجيب إذا دعى.

امام مجتبی علیه السلام با تفسیر «بسلمه»^(۱) راه فطرت (که یکی از قویترین برهانهای خداشناسی است) را بیان می کند، آن حضرت فرمود:

«خداوند متعال وجودی است که همه موجودات در نیازمندی و سختیها به او پناه می برند، بویژه هنگامی که امید از غیر او قطع گردد و همه وسائط و اسباب را ناچیز ببیند.»
یعنی فطرت خداشناسی، انسان را در تنگناها به سوی واجب الوجود هدایت می کند
«این که می گویی: «بسم الله ..»؛ یعنی یاری و کمک می خواهم در همه کارهایم از خداوندی که عبادت (خضوع و کرنش) برای غیرش سزاوار نیست، او فریادرسی است که به هنگام دادخواهی دستگیری می نماید، و اگر کسی بخواندش پاسخ می گوید.»

خشنودی خداوند

۲. قيل للحسن بن علي عليه السلام: إن أباذر يقول: الفقر أحب إلي من الغنى والسقم أحب إلي من الصحة.

فقال: رحم الله أباذر، أما أنا أقول: من اتكّل على حُسن اختيار الله لم يتمنّ أنّه في غير الحالة التي اختار الله له، وهذا حدُّ الوقوف على الرضا بما تصرّف به القضاء.

به امام مجتبی علیه السلام گفته شد، که اباذر - ره - می گفت: «فقر و تنگدستی را از بی نیازی، و بیماری را از تندرستی و سلامتی بیشتر دوست دارم.

حضرت فرمود: خداوند ابوذر را رحمت کند اما من می گویم: آن کس که بر حسن اختیار خداوند اعتماد کند، چیزی را نمی طلبد که جز خداوند برایش انتخاب کرده باشد. و این است معنای خشنودی در برابر حکم خداوند سبحان.

شناخت قرآن مجید

۳. قال الحسن بن علي عليه السلام في وصف القرآن المجيد:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ، وَشِفَاءُ الصُّدُورِ، فَلْيُجَلِّ جَالاً بِضَوِّهِ وَلْيَلْجِمِ الصِّفَةَ قَلْبَهُ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةَ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ.»

امام حسن مجتبی علیه السلام در توصیف و شرح حال قرآن مجید فرمود:

«در این قرآن است چراغهای درخشنده هدایت و شفای دلها و قلب ها، پس باید دلها را با فروغ تابناکش روشن ساخت و با گوش فرادادن به فرامینش قلب را، که مرکز فرماندهی بدن است، در اختیارش گذاشت؛ زیرا به وسیله اندیشیدن، قلب زندگی روشن خود را می یابد، همان طوری که رهروان در پرتو نور از تاریکیها گذر می کنند و می رهند.»

پیروان حقیقی قرآن

۴. قال الحسن بن علی علیه السلام :

«ما بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةً غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ، وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَأُ.»

«تنها چیزی که در این دنیای فانی و زوال پذیر باقی می ماند قرآن است، پس قرآن را پیشوا و امام خود قرار دهید، تا به راه راست و مستقیم هدایت شوید.

همانا بیشترین حق را کسی به قرآن دارد که بدان عمل کند، گرچه بظاهر آن را حفظ نکرده باشد و دورترین افراد از قرآن کسانی هستند که به دستورات آن عمل نکنند

گرچه حافظ و قاری اش باشند.»

قرآن در صحنه قیامت

۵ - قال الامام المجتبی علیه السلام:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ قَائِداً وَسَائِقاً يَفُودُ قَوْماً إِلَى الْجَنَّةِ أَحَلُّوا حَلَالَهُ وَحَرَّمُوا حَرَامَهُ وَأَمَّنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَيَسُوقُ قَوْماً إِلَى النَّارِ ضَيَّعُوا حُدُودَهُ وَأَحْكَامَهُ وَاسْتَحَلُّوا حَرَامَهُ»

«قرآن در صحنه قیامت به صورت رهبر و امام ظهور یافته، مردم را به دو دسته

تقسیم می کند:

۱. کسانی را که به قرآن عمل نموده، حلال و حرام آن را همانگونه که هست بجا آورده اند و متشابه آن را با قلب پذیرا شده اند به سوی بهشت جاویدان هدایت می نماید.

۲. آنان را که حدود و قوانینش را ضایع نمودند و بر محرّمات آن تعدی کردند و

حلال شمردند، به سوی آتش (جهنم) روانه می سازد.»

فضائل اهل بیت علیهم السلام

۶. قال الحسن بن علی علیه السلام :

«أَيُّهَا النَّاسُ إِعْقِلُوا عَنْ رَبِّكُمْ، إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، فَنَحْنُ الذُّرِّيَّةُ مِنْ آدَمَ وَالْأُسْرَةُ مِنْ نُوحٍ، وَالصَّفْوَةُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَالسُّلَالَةُ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَآلُ مُحَمَّدٍ نَحْنُ، فَيْكُمْ كَالسَّمَاءِ الْمَرْفُوعَةِ وَالْأَرْضِ الْمَدْحُورَةِ وَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ وَكَالشَّجَرَةِ الزَّيْتُونَةِ، لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ الَّتِي زَيْتُهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى فَرْعِهَا، وَنَحْنُ وَاللَّهُ ثَمَرَةُ تِلْكَ الشَّجَرَةِ، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا قَالَى التَّارِ هَوَى»

«ای مردم علم و معرفت را از پروردگار خود بیاموزید. همانا خداوند بزرگ آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برای جهانیان، به پیامبری برگزید، آنان دودمانی بودند که (پاکی، تقوا، و فضیلت را) بعضی از بعض دیگر گرفته بودند. خداوند (از کوششهای آنان در راه رسالت) شنوا و داناست.

مردم! ما - اهل بیت - از فرزندان آدم و دودمان نوح و فرزندان برگزیده ابراهیم و تبار اسماعیلیم، ما آل محمد، در میان شما همانند آسمان بلند و همچون زمین گسترده و مثل خورشید پر فروغیم. همانند درخت زیتونیم که نه به شرق مایل است نه به غرب. درختی که ریشه اش رسول خدا - ص - است و شاخه اش علی بن ابی طالب - ع - سوگند به خدا ما اهل بیت میوه آن درختیم، پس هر کس به یکی از شاخه های آن چنگ زند نجات پیدا می کند (سعادت مند است) و هر کس از آن جدا شود جایگاهش آتش است.»

دستیابی به علوم پیامبر ﷺ

۷. بعد از رحلت رسول خدا - ص - امام حسن مجتبی - ع - در دوران کودکیش روزی بر منبر بالا رفت، حمد و ثنای الهی بجا آورد، سپس رو به مردم کرده، فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَهَلْ يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا.»

«ای مردم شنیده ام از جدّم پیامبر خدا - ص - که می فرمود: «من شهر علم و دانش و فضیلتم و علی درب ورودی آن شهر است و کسی که می خواهد به شهری داخل شود از غیر درب ورودی وارد نخواهد شد.»

این کلمات کوتاه و پر محتوا را گفت و از منبر پایین آمد، پدرش علی بن ابی طالب عليه السلام او را در بغل گرفت و به سینه چسباند و مورد تفقد قرار داد.

پس دسترسی به علم و فضائل رسول خدا ﷺ ممکن نیست مگر از طریق امیر المؤمنین عليه السلام که او واسطه این فیض بزرگ است.

آرامش در پرتو ولایت

۸. امام مجتبی علیه السلام در حضور پدر گرامیش خطبه ای خواند که در بخشی از آن

فرمود:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا، أَقُولُ قَوْلِي هَذَا،
وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ»

«همانا علی بن ابی طالب علیه السلام دربی است که هر کس بر آن وارد شود؛ یعنی او را بشناسد و بر او اقتدا کند، آرامش و امنیت کامل را درمی یابد و هر کس به آن درب روی نیاورد و مخالفت با او کند - کفر و بدبختی و تیره روزی او را فراخواهد گرفت، سپس فرمود: این گفته و مطلب اساسی من است، آنگاه برای خود و دیگران طلب رحمت و آمرزش نموده و گفت: استغفر الله لی و لکم، و سپس از منبر فرود آمد.»

امیر المؤمنین علیه السلام ایستاد و پیشانی و بین دو چشم فرزندش را بوسید و این آیه

شریفه را تلاوت کرد:

«ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.»

«فرزندان، بعضی بر بعض دیگر برتری دارند، خدای سبحان شوانا و دانا است.»

این آیه درباره فرزندان ابراهیم علیه السلام است که امامت به بعضی از آنها رسید.

آمزش گناه در پرتو محبت

۹. قال الحسن بن علی عليه السلام :

«وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ أَبَدًا وَلَوْ كَانَ أَسِيرًا فِي الدَّيْلَمِ إِلَّا نَفَعَهُ حُبُّنَا وَإِنَّ حُبَّنَا لَيُسَاقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنِي آدَمَ كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ.»

«سوگند به خداوند که کسی دوست نمی دارد ما را - گر چه در دورترین نقاط؛ همچون دیلم^(۲) اسیر باشد - مگر این که دوستی ما به حال او مفید خواهد بود، همانا ولایت و محبت ما - اهل بیت - گناهان فرزندان آدم را از بین می برد همان طوری که باد برگ درختان را از شاخه و تنه او جدا می کند و به زمین می ریزد.»

حرمت صدقه بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۱۰. ابوالجوزاء می گوید: خدمت امام مجتبی عليه السلام رسیدم، پرسیدم آیا شما از رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی را بیاد دارید؟

«قال: أَذْكَرُ أَنِّي أَخَذْتُ تَمْرَةً مِنْ تَمْرِ الصَّدَقَةِ فَجَعَلْتُهَا فِي فِيٍّ، قَالَ: فَزَعَمَهَا رَسُولُ اللَّهِ بِلِعَابِهَا فَجَعَلَهَا فِي التَّمْرِ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَانَ عَلَيْكَ مِنْ هَذِهِ التَّمْرَةِ لِهَذَا الصَّبِيِّ؟ قَالَ: إِنَّا آلُ مُحَمَّدٍ لَا نُحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةَ»

«فرمود: بیاد دارم روزی - در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم - مقداری خرما برداشتم و در دهانم گذاشتم تا بخورم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن خرما را - بهمراه زنجابهای اطراف آن - گرفت و در روی خرماهای دیگر گذاشت. از حضرت سؤال شد: چرا آن خرما را از این فرزند کوچک (بچه) گرفتید؟!»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ما آل محمدیم و صدقه بر ما حلال نیست^(۳) (یعنی حرام

است).

حکومت و اهل بیت علیهم السلام

۱۱ - امام مجتبی علیه السلام در پاسخ به نامه ای که معاویه برای آن حضرت فرستاده بود،

چنین جواب دادند:

«إِنَّمَا هَذَا الْأَمْرُ لِي وَالْخِلاَفَةُ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي، وَإِنَّهَا لَمُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُ صَابِرِينَ عَارِفِينَ بِحَقِّي غَيْرَ مُنْكَرِينَ مَا سَلَّمْتُ لَكَ وَلَا أَعْطَيْتُكَ مَا تُرِيدُ.»

«همانا این امر (حکومت) و جانشینی رسول خدا - ص - از آن من و مربوط به اهل

بیت من است. تو غاصبی، خلافت بر تو و خاندانت حرام است. این مطلب را از رسول

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیده ام. (سپس فرمود:) سوگند به خداوند، چنانچه می یافتم یارانی آگاه و

آشنا در حق ما (که در راه احیای حق ایستادگی می نمودند) حکومت را به تو واگذار

نمی کردم و نمی دادم به تو آنچه را که می خواستی. (حتی با شرایطی که در عقد

صلحنامه نوشته شده)».

فرجام امامان راستین

۱۲. جناده گوید: در روزهای واپسین عمر امام مجتبی - ع - خدمت آن حضرت رسیدم، سم بشدت آن بزرگوار را می آزد، عرض کردم چرا خود را معالجه نمی کنید؟ فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^(۴) سپس به سوی من نگاهی کرد و فرمود:

«وَاللَّهِ لَقَدْ عَهِدَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ»

«سوگند به خداوند که رسول خدا بما وعده نمود: امامت و وصایت بعد از او را دوازده نفر بدست می گیرند، یازده نفر آنان از فرزندان علی و فاطمه - سلام الله علیها - هستند و اینان در فرجام کار، در راه خدا یا مسموم و یا کشته می شوند.»

شیعیان کیستند و دوستان کدامند؟

۱۳. قال له رجل: «يا بن رسول الله إني من شيعتكم» فقال الحسن عليه السلام:

«يا عَبْدَ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ لَنَا فِي أَوْامِرِنَا وَرَوَاجِرِنَا مُطِيعاً فَقَدْ صَدَقْتَ، وَإِنْ كُنْتَ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَلَا تَزِدْ فِي ذُنُوبِكَ بِدَعْوَاكَ مَرْتَبَةً شَرِيفَةً لَسْتُ مِنْ أَهْلِهَا، لَا تَقُلْ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمْ وَلَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمُ وَمُحِبِّيكُمُ وَمُعَادِي أَعْدَائِكُمْ وَأَنْتَ فِي خَيْرٍ وَإِلَى خَيْرٍ.»

مردی خطاب به امام حسن عليه السلام گفت: «ای پسر رسول خدا من شیعه شما هستم.»

امام عليه السلام فرمود:

«ای بنده خدا، اگر در انجام واجبات و خودداری از محرمات (گناهان) پیرو ما هستی و تبعیت می کنی که راست می گویی، و چنانچه اینگونه نیستی، با این ادعای دروغ بر گناهان خود افزودی؛ زیرا شیعه و پیرو ما از مقام والا و بلندی برخوردار است و تو اهل آن نیستی، مگو که من شیعه تو هستم، بلکه بگو من از دوستان و هواداران و نیز از بدخواهان دشمنان شمایم، در این صورت تو در خیر و نیکی بسر میبری و در مسیر خیر خواهی قرار داری.»

معیارهای دوستان سالم

۱۴. مردی از امام حسن علیه السلام خواست که دوست و همنشین وی باشد، امام علیه السلام سه شرط را برایش مطرح نمود:

«قال علیه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ أَوْ تُكْذِبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِنْ دِنَ لِي فِي الْإِنْصِرَافِ. فَقَالَ علیه السلام: نَعَمْ إِذَا شِئْتَ.»
«فرمود:

۱. بشرط آن که از من ستایش و تعریف نکنی؛ زیرا من نسبت به خودم از تو آگاهترم.

۲. مرا دروغگو ندانی؛ زیرا دروغگو رأی و عقیده درستی ندارد.

۳. مبادا در برابر من از کسی غیبت کنی.

چون آن مرد شرایط دوستی با آن حضرت را دشوار دید گفت: می خواهم از درخواست خود منصرف شوم؟

امام علیه السلام فرمود: آری هر طور می خواهی انجام بده.»

سیاست از دیدگاه معصوم

۱۵. مردی از امام مجتبی علیه السلام پرسید: سیاست چیست؟

فقال علیه السلام: هِيَ أَنْ تَرعى حُقُوقَ اللَّهِ، حُقُوقَ الْأَحْيَاءِ، وَحُقُوقَ الْأَمْوَاتِ فَأَمَّا حُقُوقُ اللَّهِ فَأَدَاءُ مَا طُلِبَ وَاجْتِنَابُ عَمَّا نُهِى.

وَأَمَّا حُقُوقُ الْأَحْيَاءِ: فَهِيَ أَنْ تَقُومَ بِوَأَجِبِكَ نَحْوَ إِخْوَانِكَ، وَلَا تَتَأَخَّرَ عَنْ خِدْمَةِ أُمَّتِكَ وَأَنْ تُخَلِّصَ لِيَوْلَى الْأَمْرِ مَا أَخْلَصَ لِإِمَّتِهِ وَأَنْ تَرْفَعَ عَقِيرَتَكَ فِي وَجْهِهِ إِذَا مَا حَادَ عَنِ الطَّرِيقِ السَّوِيِّ.

وَأَمَّا حُقُوقُ الْأَمْوَاتِ: فَهِيَ أَنْ تُذَكِّرَ خَيْرَاتِهِمْ وَتَتَغاضَى عَنْ مَسَاوِيهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ رَبًّا يُحَاسِبُهُمْ.

فرمود: «سیاست، رعایت حقوق خدا، مردم و اموات این مردم است.

اما حق خداوند: انجام دادن فرائض (واجبات) و دوری کردن از آنچه ما را نهی کرده است (محرمات).

اما حقوق مردم: این که وظیفه خود را نسبت به مردم انجام دهی و هرگز از خدمت به جامعه خود باز نمانی، و همان طوری که زمامدار با تو با صداقت رفتار می کند تو هم باید با حقیقت و اخلاص رفتار نمایی و چون اقوام و بستگان از راه راست منحرف شدند، آنها را به راه راست رهنمون باشی.

و اما حقوق اموات: آن است که از خوبیهای آنان سخن گویند و از زشتیهایشان چشم پوشی کنید؛ زیرا برای آنان خداوندی است که حساب آنها را رسیدگی خواهد کرد.»

عزت مؤمن

۱۶. قال الامام المجتبی علیه السلام:

«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً لَقَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لَرَأَيْتُ أَنِّي مُقَصِّرٌ فِي حَقِّهِ، وَلَوْ مَنَعْتُ الْكَافِرَ مِنْهَا حَتَّى يَمُوتَ جُوعًا وَعَطْشًا ثُمَّ أَذَقْنْتُهُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لَرَأَيْتُ أَنِّي قَدْ أَسْرَفْتُ.»

«اگر همه دنیا را تبدیل به یک لقمه غذا کنم و به انسانی که خدا را از روی خلوص عبادت می کند بخورانم، خودم را مقصّر (کوتاهی کننده) درباره او می دانم و چنانچه فرد کافری را گرسنگی دهم تا به آن اندازه که جانس از شدت گرسنگی و تشنگی به لب برسد، آنگاه مقداری کمی آب به او بدهم، خود را نسبت به او اسرافکار می پندارم.»

انتخاب دوست

۱۷. قال عليه السلام لبعض ولده:

«يا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَرَضَيْتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَالْمُؤَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ»

«پسرم با هیچ کس پیمان دوستی مبند مگر این که بدانی از کجا می آید و به کجا می رود؛ یعنی خصوصیات اخلاقیش را بدست آور، و چون دقیق بررسی کردی و او را انسانی شایسته یافتی، بر پایه گذشت و اغماض و برادری در سختیها و لغزشها با او رفتار کن و دوستیت را استمرار بخش.»

فروتنی

۱۸. قال عليه السلام:

«أَعْرِفُ النَّاسَ بِمُحْفُوقِ إِخْوَانِهِ وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا وَمَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَمِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام»

«فروتن و متواضع کسی است که حق مردم را بشناسد و در بر آوردن نیاز آنان بکوشد، در این صورت در نزد خداوند مقام بالا و والایی خواهد داشت و هر کس در این جهان نسبت به برادران دینیش فروتنی کند و تواضع نماید، نزد خداوند از صدیقان و شیعیان علی بن ابی طالب عليه السلام محسوب می شود.»

سخاوت و نیکی

۱۹. امام حسن علیه السلام مشغول طواف کعبه بود، که مردی از آن حضرت پرسید: بخشنده

و جواد چه کسی است؟ امام علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِكَلَامِكَ وَجْهَيْنِ، فَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِ فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُؤَدِّي مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ، وَالْبَخِيلُ الَّذِي يَبْخُلُ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْخَالِقِ فَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ أَعْطَى، وَهُوَ الْجَوَادُ وَإِنْ مَنَعَ لِأَنَّهُ إِنْ أَعْطَى عَبْدًا أَعْطَاهُ مَا لَيْسَ لَهُ وَإِنْ مَنَعَ مَنَعَهُ مَا لَيْسَ لَهُ. وَقَالَ علیه السلام: الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ يَتَقَدَّمْهُ مَظْلٌ وَلَا يَتَّبِعُهُ مَنْ وَالْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤُودِ.»

«پرسش شما شامل بخشندگی خالق و مخلوق هر دو می گردد:

۱. جود و بخشندگی مخلوق در آن است که آنچه را خداوند بر او واجب شمرده

انجام دهد و چنانچه انجام ندهد بخیل است.

۲. خداوند چه ببخشد و چه نبخشد جواد است، زیرا بندگان حقی بر خداوند ندارند

تا مفهوم اعطاء و منع بر آن صدق کند. ^(۵) و سپس فرمود: نیکی آن است که قبل از

انجامش مسامحه ای نباشد و بعد از انجام منتی صورت نگیرد و بخشندگی قبل از سؤال

کردن نشانه بزرگواری است.»

همسایگان را بر خویش مقدم بدارید

۲۰. عن الحسن بن علی عليه السلام قال:

«رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ عليها السلام قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى
اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَسَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتُسَمِّيهِمْ وَتَكْثُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ، وَلَا
تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَاهُ لِمَ تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟ فَقَالَتْ: يَا بُنَيَّ:
الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ.»

«مادرم فاطمه عليها السلام را می دیدم که شبهای جمعه راست قامتانه در محراب عبادتش ایستاده، تا طلوع صبح به رکوع و سجود بسر می برد، خود می شنیدم که او برای مردان و زنان مؤمن دعا می کند و حتی آنان را نام می برد، و «جهت برطرف شدن گرفتاریها و برآورده شدن خواسته هایشان» بسیار دعا می کرد و لیکن برای خویش سخنی نمی گفت و دعایی نمی کرد.

عرض کردم: مادرم! چرا برای خود همانند دیگران دعا نمی کنی؟!

جواب داد: فرزندم! اول همسایه را مقدم دار و سپس خود و اهل خانه را.»

تقوا

۲۱. بخشی از سخنان امام - ع - درباره پرهیزکاری:

«اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَجِدُوا فِي الطَّلَبِ وَتَجَاهَ الْهَرَبِ وَبَادِرُوا الْعَمَلَ قَبْلَ مُقَطَّعَاتِ النَّقْمَاتِ وَهَادِمِ اللَّذَاتِ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فَجِيعُهَا وَلَا تُتَوَقَّى مَسَاوِيهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ، فَاتَّعِظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ وَاعْتَبِرُوا بِالْأَثَرِ وَازْدَجِرُوا بِالنَّعَمِ وَأَنْتَفِعُوا بِالْمَوَاعِظِ، فَكَفَى بِاللَّهِ مُعْتَصِماً وَنَصِيراً وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِجاً وَخَضِماً وَكَفَى بِالْحِجَّةِ ثَوَاباً وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَاباً وَوَبَالاً.»

«ای بندگان خدا، از نافرمانی در برابرش بپرهیزید. و برای تحقق خواسته های خویش کوشش نمایید و از کارهای ناروا بگریزید و قبل از اینکه سختیها بشما رو آورد و به آغوش مرگ بیفتید به کارهای نیک مبادرت ورزید. همانا نعمت های دنیا زودگذر و ناپایدار است و کسی از خطرها در امان نیست و مصون از بدبختیها نخواهد بود، فریب خوردن دنیا مانع خوشبختی است و تکیه کردن بر آن سست و بی اساس است. ای بندگان خدا پند پذیر باشید و عبرت گیرید، و از تاریخ گذشتگان درس زندگی بیاموزید، نعمت ها (خوراکیها و ...) شما را مشغول نکند و از آخرت باز ندارد، از پندها و موعظه ها بهره گیرید، خدا در نگهداری و یاری دادن به شما کفایت می کند و برای راهنمایی شما و حجت در برابر دشمنانتان قرآن نیز کافی است، بهشت اجر و مزدی تمام برای نیکوکاران است و جهنم و آتش کیفر و عقابی مکفی برای تبهکاران.»

چگونگی ورود به نماز

۲۲ - امام حسن مجتبی علیه السلام هرگاه می خواست نماز بپا دارد، بهترین لباسهای خویش را می پوشید، بعضی از آن حضرت سبب آن را پرسیدند.
قال علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَقَرَأَ: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ.»

«همانا خداوند زیبا است (منبع و مجمع همه زیباییها است) و زیبایی را دوست دارد و چنانچه من در وقت اقامه نماز لباس زیبا به تن می کنم فقط بخاطر پروردگار و خالقم می باشد. در آن هنگام آیه شریف ذیل را خواند:
ای انسانها به هنگام عبادت خداوند، لباسهای زیبا و زینتی خود (بهترین لباسهایتان) را بپوشید.»

دعای قنوت

۲۳. ابی الجوزاء می گوید: خدمت امام مجتبی علیه السلام بودم که می فرمود:

«رَبِّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا
أَعْطَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ إِنَّهُ لَا يُذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكَ رَبَّنَا
وَتَعَالَيْتَ.»

«پروردگارا! مرا به راه کسانی هدایت کن که خود آنها را هدایت فرمودی، و سلامتی را آن گونه عنایت کن که به آنها عنایت کردی و دوست بدار مرا همانطوری که آنها را دوست داشتی و برکت ده در آنچه بر من ارزانی داشتی و نگهدار مرا از شرّ و بدی آنچه حکم کردی - در سایه اعمال زشت بعضی از شرور، به صورت طبیعی سراغ انسان می آید که عکس العمل افعال و کردار شخص است - همانا تو حاکم بر همه اشیائی و هیچ چیز بر تو غالب نخواهد بود، پروردگارا خوار و ذلیل نمی شود کسی را که تو دوست بداری، پاک و منزّه و بلند مرتبه است پروردگار ما.»

چگونگی ورود به مسجد

۲۴. امام مجتبیٰ علیه السلام به هنگام ورود به مسجد، سر را به طرف آسمان بلند می کرد و

می فرمود:

«إلهی صَیْفُكَ بِبَابِكَ یا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ، فَتَجَاوَزْ عَن قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلِ مَا

عِنْدَكَ یا کَرِيمُ.»

«پروردگارا مهمان تو، جلو در خانه ات ایستاده است. ای نیکوکار، بنده تباهکار و

بدرفتار به درگاہت شتافته، از زشتیهایی که مرتکب شده به خاطر زیباییهایی که در نزد

تو است، درگذر و ببخش، ای بخشنده و کریم.»

فواید رفت و آمد به مسجد

۲۵. قال المجتبیٰ علیه السلام:

«مَنْ أَدَامَ الْاِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَأَخَا مُسْتَفَاداً وَعِلْماً مُسْتَظْرِفاً، وَرَحْمَةً مُنْتَظِرَةً وَكَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ رِدَى وَتَرَكَ الدُّنُوبَ حُبّاً أَوْ خَشْيَةً.»

«کسی که به مسجد رفت و آمد (تردد) داشته باشد، بر یکی - یا بیشتر - از نعمتهای هشتگانه دسترسی پیدا خواهد نمود:

۱. استدلال های استوار و محکم در امور دینی خود (اعتقادی، فقهی، سیاسی و...);
۲. دستیابی به دوستان سودمندی که تردد با آنها مایه بهره‌وری است؛
۳. معلومات و دانش تازه و شگفت انگیز؛
۴. رحمت و نعمتی که چشم براه اوست؛
۵. دستیابی به سخنان هدایت کننده ای که شخص را به راه راست رهبری می کند؛
۶. دستیابی به مطالبی که انسان را از پستیها و ضد ارزشها دور می دارد؛
۷. دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که ترک گناه را دوست می دارد؛
۸. دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که می ترسد یا گرفتار عقوبت الهی شود یا آبرو و حیثیت خود را با انجام گناه از بین ببرد.»

توجه به قیامت

۲۶. گاهی امام علیه السلام را محزون و اندوهگین می دیدند، بطوری که اشکهای چشم امام علیه السلام بر روی صورتش جاری بود، از آن حضرت می پرسیدند: چرا شما محزونید و گریه می کنید؟! و حال آن که شما وارث پیامبر و وصی او هستید، فرمود:

«إِنَّمَا أَبْكِي لِخِصْلَتَيْنِ: لَهْوِ الْمَطَّلَعِ، وَفِرَاقِ الْأَجْبَةِ.»

«گریه من برای دو چیز است: ۱. وحشت از ورود به صحنه قیامت؛

۲. جدایی از دوستان و عزیزانی که انسان بدانها وابسته و علاقمند است.»

رمضان ماه آزمایش

۲۷. «مَرَّ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ فِطْرَ بَقَوْمٍ يَلْعَبُونَ وَيَضْحَكُونَ، فَوَقَفَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِحَلْقِهِ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَارُوا وَقَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا، فَالْعَجَبَ كُلَّ الْعَجَبِ مِنْ ضاحِكٍ لَاعِبٍ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَيُخَسَّرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ، وَأَيْمُ اللَّهِ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَعَلِمُوا أَنَّ الْمُحْسِنَ مَشْغُولٌ بِإِحْسَانِهِ وَالْمُسِيءَ مَشْغُولٌ بِإِسَاءَتِهِ، ثُمَّ مَضَى.»

«روز عید فطری بود، امام مجتبی علیه السلام به جمعی که مشغول به بازی و خنده بودند برخورد، بالای سر آنان ایستاد و فرمود:

خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه و بهره برداری برای مخلوق خویش قرار داده که با اطاعت و بندگی بر یکدیگر پیشی و سبقت گیرند و خشنودی خدای را به دست آورند، گروهی سبقت جستند و مسابقه را بردند و گروهی دیگر عقب ماندند و متضرر شدند. شگفت و تعجب از آنانی است که در روز پاداش گرفتن نیکوکاران و زیان دیدن بی هدفان، به خنده و لهو و لعب پرداخته اند. به خدا قسم اگر حجابها برکنار شود خواهید دید نیکرفتار به نیکی خویش مشغول است و بدکردار به رفتار بدش گرفتار؛ یعنی قیامت خویش را بچشم خود می بیند و نتایج رمضان را مشاهده می کند. سپس آنها را به حال خویش گذاشت و رفت.»

چاره اندیشی ترک گناه

۲۸. مردی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید، عرض کرد: من بنده ای گنه کارم و نمی

توانم گناه نکنم. ای فرزند پیامبر خدا، مرا پند و اندرز ده و موعظه کن. حضرت فرمود:

«إِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ، لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ، وَاطْلُبْ مَوْضِعاً

لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ، وَأَخْرُجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ، وَإِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ

لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنِ نَفْسِكَ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ، وَإِذَا دَخَلَكَ مَالِكُ النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي

النَّارِ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ.»

«چنانچه نمی توانی ترک گناه کنی، پنج کار را انجام بده و هر چه می خواهی گناه

کن:

۱. روزی خدای را نخور.

۲. گناه را در جایی انجام ده که خداوند تو را نبیند.

۳. از سرزمین خدا خارج شود (و برو به جایی که در زیر سلطه و قدرت خداوند

نباشد!).

۴. آنگاه که فرشته مرگ خواست جانت را بگیرد او را از خود دور کن.

۵. هنگامی که مالک دوزخ خواست تو را داخل آتش کند، پس با قدرت ایستادگی

کن و داخل نشو.

این پنج عمل را انجام بده و هر چه خواستی گناه کن.»

رذائل اخلاقی

(تکبر، حرص، حسد)

۲۹. قال المجتبیٰ علیه السلام:

«هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبْرُ وَالْحِرْصُ وَالْحَسَدُ، فَالْكِبْرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَبِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ وَمِنْهُ قَتَلَ قَائِلُ هَابِيلَ.»

«در مورد آثار شوم بعضی از رذائل اخلاقی، امام مجتبیٰ علیه السلام فرمودند:

«سه چیز مردم را به هلاکت می رساند: تکبر، حرص و آز، حسد. خود را بزرگ پنداشتن، دین انسان را از بین می برد، همانطوری که شیطان تکبر کرد و دینش نابود شد و منفور گردید. حرص و آز دشمن شخصیت هر فرد است همانطور که آدم ابوالبشر بواسطه حرصی که در وی بوجود آمد، از بهشت رانده شد. حسد (آرزوی زوال نعمت از دیگران) راهبر بدبختیها و تیره روزیهای است، بواسطه حسد قایل هابیل را کشت.»

بخل

۳۰. قال الامام الحسن علیه السلام:

«الْبُخْلُ جَامِعٌ لِلْمَسَاوِي وَالْعُيُوبِ وَقَاطِعٌ لِلْمَوَدَّاتِ مِنَ الْقُلُوبِ.»

«بخل سرآمد همه بدیها و زشتیها است، که محبت و دوستی را از دلها جدا می

نماید.»

مردی پرسید صفت بخل چیست؟

فقال علیه السلام: «هُوَ أَنْ يَرَى الرَّجُلَ مَا أَنْفَقَهُ تَلْفًا وَأَمْسَكَهُ شَرَفًا.»

«در جواب آن مرد فرمود: بخل آن است که انسان آنچه را جمع می کند شرف بداند،

و هرچه را انفاق می کند تلف بشمارد.»

آداب غذا خوردن

۳۱. قال الامام الحسن عليه السلام:

«فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَى عَشَرَ خِصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا، أَرْبَعٌ فِيهَا فَرَضٌ، وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَأَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ: الْفَرَضُ: الْمَعْرِفَةُ، الرَّضَا، التَّسْمِيَةُ، الشُّكْرُ. السُّنَّةُ: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ، الْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ، الْأَكْلُ بِثَلَاثَةِ أَصَابِعٍ، وَلَعَقُ الْأَصَابِعِ. التَّأْدِيبُ: الْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ، تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ، تَجْوِيدُ الْمَضْغِ، قَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.»

«سزاوار است مسلمان به هنگام غذا خوردن دوازده چیز را رعایت نماید. که چهارتای آن واجب (اخلاقی) و چهار امر دیگر آن سنت (دارای ثواب) است و چهارتای باقیمانده، از آداب و اخلاق محسوب می گردد.

اما چهار امر لازم: ۱. شناسایی غذا ۲. خشنود بودن بدآنچه روزیت گردیده ۳. نام خدا را بر زبان جاری کردن (بسم الله گفتن) ۴. شکر گزاری در برابر نعمتی که به تو داده شده.

اما چهار موضوعی که مراعات آن ثواب دارد و سنت خواهد بود: ۱. وضو گرفتن پیش از شروع به غذا ۲. نشستن بر جانب چپ بدن ۳. چنانچه با دست غذا می خورد به سه انگشت لقمه را بردارد و در میان دهان بگذارد ۴. انگشتان خود را بلیسد. و چهار امر باقیمانده که از اخلاق و ادب اسلامی محسوب می شود:

۱. لقمه را از جلو خویش بگیرد ۲. لقمه های غذا را کوچک بردارد ۳. غذا را خوب بجود ۴. به صورت دیگرانی که با او هم غذا هستند، کمتر نگاه کند.»

شستن دستها قبل از خوردن غذا

۳۲. قال الحسن عليه السلام:

«غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ.»

«شستشوی دو دست قبل از غذا، فقر و بیچارگی را از بین می برد و بعد از غذا، غم

و غصه را از بین می برد.»

چرا وحشت از مرگ؟

۳۳. قال له رجل: يا بن رسول الله صلى الله عليه وسلم ما لنا نكره الموت ولا نحبه؟ فقال عليه السلام:

«إِنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ، فَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ الثَّقَلَةَ مِنَ الْعِمْرَانِ إِلَى

الْخَرَابِ.»

مردی از امام مجتبی عليه السلام پرسید: چرا سفر مرگ برای ما ناخوش آیند است و از او

استقبال نمی کنیم؟!

«حضرت فرمود: شما خانه آخرت را خراب کرده اید و خانه دنیا را آباد، طبیعی

است که انتقال از اقامتگاه آباد به جایگاه خراب برای شما و هر کسی ناخوشایند خواهد

بود.»

هرگز نیازمند را دست خالی برنگردانید

۳۴. قیل له: لأی شیء لا نراک تردُّ سائلا وإن کنت علی ناقة؟ فقال عائلا:

«إنی لله سائلٌ، وفیه راغبٌ، وأنا أستحیی أن أکون سائلا وأردُّ سائلا، وإنَّ الله عودنی عادةً أن یفیض نعمة علیّ وعودته أن أفیض نعمة علی الناس فأخشی - إن قطعت العادة أن یمنعنی العادة.» وأنشد یقول: إذا ما أتانی سائلٌ قلتُ مرحباً بمن فضله فرض علیّ معجلٌ ومن فضله فضلٌ علی کلِّ فاضلٍ وأفضل أيام الفقی حین یُسأل.

گروهی در محضر امام مجتبی - ع - بودند، از حضرت سؤال کردند:

«چگونه است که شما هرگز سائل و نیازمندی را ناامید بر نمی گردانید، گرچه سوار

بر اشتر، در حالت رفتن باشید؟! »

«فرمود: من هم به درگاه خداوند محتاج و سائلم و می خواهم که خداوند مرا محروم نگرداند و شرم دارم که با چنین امیدواری سائلان را ناامید کنم، خدایی که نعمت هایش را بر من ارزانی می دارد، می خواهد من هم به مردم کمک کنم و می ترسم که اگر بخشش خود را از مردم دریغ دارم، خداوند هم به من عنایتش را دریغ دارد و منع نماید، آنگاه این شعر را خواند:

(هرگاه سائلی به نزد من آید به او خوش آمد و آفرین می گویم، زیرا بخشش نمودن

به او بر من واجب است.)

(و هر بخشنده ای که به سائل بخشش نماید به فضیلت رسد، و نیکوترین روزهای

جوانمردان روزی است که از آنها درخواست کمک شود.»

نیکی را اینگونه پاسخ دهید

۳۵. قال أنس بن مالک:

حیّت جاریة للحسن علیه السلام بطاقة ریحان، فقال علیه السلام لها: «أَنْتِ حُرَّةٌ لَوْجِهَ اللَّهِ!» فقیل له فی ذلك: فقال علیه السلام: «هَكَذَا أَدَبَنَا اللَّهُ تَعَالَى قَالَ: ﴿إِذَا حُیِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾^(۶) وَكَانَ أَحْسَنُ مِنْهَا إِعْتَاقُهَا. وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّ السَّخَاءَ عَلَى الْعِبَادِ فَرِيضَةٌ لِلَّهِ يَقْرَأُ فِي كِتَابِ مُحْكَمٍ وَعَدَّ الْعِبَادَ الْأَسْخِيَاءَ جَنَانَهُ وَأَعَدَّ لِلْبُخْلَاءِ نَارَ جَهَنَّمَ مَنْ كَانَ لَا تَنْدَى يَدَاهُ بِنَائِلٍ لِلرَّاغِبِينَ فَلَيْسَ ذَلِكَ بِمُسْلِمٍ.

انس بن مالک می گوید: یکی از کنیزان امام مجتبی علیه السلام دسته گلی را به آن حضرت هدیه کرد. حضرت در پاسخ به او فرمود: تو را در راه خدا آزاد نمودم. پس از این پاسخ زیبا، بعضی گفتند: در برابر یک دسته گل آزادی او، یعنی چه؟!

حضرت فرمود: خداوند اینگونه ما را تربیت نموده است؛ زیرا فرموده: آنگاه که جهت احترام به شما، هدیه ای دادند و یا تهنیتی فرستادند، شما با وضع بهتری پاسخگوی تحیّت آنان باشید. و سپس فرمود: برتر از هدیه او، آزادی و رهای اش بود. و اشعار زیر را خواند:

«بخشندگی بر بندگان فریضه ای از جانب خداست که در قرآن محکم آمده است.»
«خداوند بندگان بخشنده اش را وعده بهشت و بخیلان را وعده جهنم (دوزخ) داده است.»

«هر کس دست بخشندگی را به سوی نیازمندان دراز نکند او در زمره مسلمانان حقیقی نخواهد بود.»

اهمیت غذای روحی

۳۶ - قال الحسن بن علی علیه السلام :

«عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودَعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ.»

«در شگفتم از کسی که درباره خوراکیهای خود اندیشه و تأمل می کند و لیکن درباره نیازمندیهای فکری و عقلیش تأمل نمی کند، پرهیز می کند از آنچه معده اش را اذیت می نماید و سینه و قلب خود را از پست ترین چیزها پر می کند.»

پند و اندرز

۳۷. مردی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و گفت: آقا! خانه ای تازه ساخته ام دوست دارم در آن منزل جهت تیمن و تبرک داخل شوید و دعا کنید، امام علیه السلام به منزل آن شخص داخل شد و نگاهی به اطراف کرد و فرمود:

«أَخْرَبْتَ دَارَكَ وَعَمَّرْتَ دَارَ غَيْرِكَ أَحَبَّكَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَقَّتَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.»

«ویران کردی خانه خویش را و آبادی کردی خانه دیگری را که بهترین افراد برای تو در روی زمین است و دشمن تو در آسمانها است.»

سه نکته اساسی

۳۸. قال المجتبی علیه السلام:

«حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ وَمُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَالْقُصْدُ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْمَوْوَنَةِ.»

«پرسش صحیح و نیکو، نیمی از دانش را به فرد مورد سؤال خواهد داد. سازش و مدارا نمودن با مردم نیمی از تدبیر و اندیشه انسانی است. میانه روی و مراعات اقتصاد در زندگی، نیمی از مخارج انسان را می کاهد.»

ثمرات بردباری

۳۹. مردی از سرزمین شام حسن بن علی علیه السلام را سوار بر مرکب دید، آن مرد حضرت را لعن و نفرین می نمود، امام مجتبی علیه السلام اهانت های او را شنید و سپس به او رو کرد و سلام نمود، در حالی که خنده ای بر لب داشت، فرمود:

«أَيُّهَا الشَّيْخُ أَظُنُّكَ غَرِيبًا، وَلَعَلَّكَ شُبَّهْتَ، وَلَوْ اسْتَعْتَبْتَنَا اعْتَبْنَاكَ، وَلَوْ سَأَلْتَنَا أَعْطَيْنَاكَ، وَلَوْ اسْتَرْشَدْتَنَا أَرَشَدْنَاكَ، وَلَوْ اسْتَحْمَلْتَنَا أَحْمَلْنَاكَ، وَإِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَشْبَعْنَاكَ، وَإِنْ كُنْتَ غُرِيَانًا كَسَوْنَاكَ، وَإِنْ كُنْتَ مُحْتَاجًا أَغْنَيْنَاكَ، وَإِنْ كُنْتَ ظَرِيدًا أَوْيْنَاكَ، وَإِنْ كَانَ لَكَ حَاجَةٌ قَضَيْنَاهَا لَكَ، فَلَوْ حَرَّكَتَ رَحْلَكَ إِلَيْنَا وَكُنْتَ ضَيْفَنَا إِلَى وَقْتِ ارْتِحَالِكَ كَانَ أَعْوَدُ عَلَيْكَ، لِأَنَّ لَنَا مَوْضِعًا رَحْبًا وَجَاهًا عَرِيضًا وَمَالًا كَثِيرًا.»

«ای مرد به گمانم شما در این شهر (مدینه منوره) غریبید و چه بسا امر بر شما مشتبه شده که لعن و نفرین می کنید. چنانچه نیازمند خشنودی هستی - و می خواهی عقده دل خالی کنی - تو را خشنود می کنیم، اگر نیازمند و محتاجی نیازت را بر طرف می سازیم و اگر از ما راهنمایی بخواهی تو را ارشاد می کنیم، و چنانچه در جایجایی خود مساعدت می خواهی کمکت می کنیم، اگر گرسنه ای سیرت می کنیم، و اگر برهنه ای تو را جامه می پوشانیم و بی نیازت می کنیم، و اگر آواره و بی پناهی پناحت می دهیم و

چنانچه نیازمندی دیگری داری برمی آوریم، و اگر بار سفرت را به سوی ما بسته ای تا زمان رفتنت بمقدار دلخواه از تو پذیرایی می کنیم؛ زیرا جایگاه پذیرایی و مهمانی وسیعی داریم و از جهت مال هم در مضیقه نیستیم.»

آن مرد پس از شنیدن این مطالب متأثر شد و گریه کرد و گفت:

«گواهی می دهم که تو خلیفه و جانشین واقعی خداوند در روی زمینی، خداوند خود می داند که امامت و رسالتش را در چه جایی قرار دهد، تو و پدرت منفورترین چهره در نزد من بودید و لیکن الآن - با این برخورد - شما بهترین مخلوق در نزد من هستید و شما را می ستایم.»

آنگاه مرکب خود را به سوی خانه امام مجتبی علیه السلام روانه کرد و در خانه آن حضرت تا زمان رفتنش میهمان بود و از معتقدان و محبان آن بزرگوار گردید.

مهدی عج از زبان امام مجتبی علیه السلام

۴۰ - قال المجتبی علیه السلام:

«الْأئِمَّةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِثْنَا عَشَرَ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ أَخِي الْحُسَيْنِ، وَمِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةَ.»

اصغ بن نباته می گوید امام مجتبی علیه السلام فرمود: «امامان و پیشوایان بعد از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوازده نفر هستند که نه نفر آنها از فرزندان برادرم حسین می باشند و از جمله آنها: مهدی این امت است.»

و در جای دیگر فرمود:

«ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطِيلُ اللَّهُ عُمرَهُ فِي غَيْبَتِهِ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍّ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

«آن نهمین نفر، از فرزندان برادرم حسین فرزند اشرف کنیزان نرجس^(۷) است، در دوران غیبتش خداوند طولانی می کند عمرش را، سپس آشکار می نماید او را به قدرت خویش به صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد.

بدینوسیله خداوند ثابت می کند که بر ایجاد همه اشیاء قادر و توانا است.»

پی نوشت ها

- ۱ - بسمله، مصدر قراردادی «بسم الله الرحمن الرحيم» است.
- ۲ - اهل نجوم می گویند دَيْلَمُ سرزمینی است در اقلیم (قاره) چهارم که طول آن ۷۵ درجه و عرض آن ۱۰/۳۶ سی و شش درجه و ده دقیقه می باشد. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۱۴)
- ۳ - مقصود صدقات واجب است همانند زکات گوسفند، گاو و ... و الا صدقه مستحب مانعی ندارد. و صدقه سید به سید مانعی ندارد: تحریرالوسیله، امام خمینی - ره - ج ۱، ص ۳۴۱، القول فی اوصاف المستحقین للزکاة.
- ۴ - بقره: ۱۵۶، ترجمه «ما مخلوق خداوندیم و به سوی او هم بازگشت خواهیم نمود.» کلمه استرجاع است که به هنگام برخورد با مصیبت بکار گرفته می شود.
- ۵ - مجمع البحرین، طریحی، ماده: جود.
- ۶ - نساء: ۸۵
- ۷ - نرجس بنت یسوعا بن قیصر پادشاه روم بوده است که به شمعون از حواریون عیسی - ع - نسبت داده می شود وی در جنگ های روم با مسلمانان جهت مداوای مجروحین شرکت کرده بود. در جنوب شرقی اروپا به دست گروه گشتی رزمی مسلمانان اسیر گشت، آنگاه که او را به همراه دیگر اسرا به پشت جبهه انتقال دادند. گفت: نام من نرجس است که معمولاً کنیزها را بدان نام می خواندند و این واقعه در زمان امام دهم (علی النقی علیہ السلام) اتفاق افتاد، بشر بن سلیمان از سوی امام هادی علیہ السلام او را خریداری کرد مدتی وقت خود را به آموزش معارف اسلامی گذراند و سپس امام هادی علیہ السلام او را به عقد فرزندش امام حسن عسکری علیہ السلام درآورد و مراحل کمال را در خدمت آن بزرگوار طی کرد، پس از مدتی این خانم عزیز و عفیف و پاکدامن مادر حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - گردید. (قادتنا کیف نعرفهم، آیت الله العظمی میلانی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ به نقل از یوم الخلاص، ص ۶۱)